

ادامه مقام دوم: ضد خاص

بیان شد که استدلال به مسلک مقدمیت در جهت اثبات اقتضاء امر به شیء نسبت به نهی از ضد خاص، مانند مسلک تلازم مشتمل بر سه عنصر می باشد. بحث در عنصر اول بود یعنی اینکه «ترک یکی از دو ضد، مقدمه وجود ضد دیگر است» که بیان شد محل اختلاف بوده و اقوال مختلفی در این مورد ذکر شده است که مهمترین آنها سه قول می باشد.

قول اول این بود که ترک هر ضدی، مقدمه وجود ضد دیگر می باشد. بیان شد این قول توسط بسیاری از معاصرین از جهات مختلفی مورد نقد قرار گرفته است. جهت اول یعنی مسأله دور که از جانب محقق خراسانی «رحمة الله علیه» بیان شده بود، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در ادامه به بیان جهت دوم و نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

بیان جهت دوم

محقق خراسانی «رحمة الله علیه» می فرمایند: «تعاند و تنافر میان دو شیء مانند ازاله نجاست و صلاة تنها چیزی را که اقتضاء دارد، عدم اجتماع این دو شیء در تحقق و وجود است و از آنجا که میان یکی از این دو شیء مانند ازاله نجاست و نقیض شیء مقابل آن مانند عدم صلاة، تنافی وجود نداشته و بلکه در وجود، کمال ملائمت میان آنها برقرار است، روشن می شود که یکی از دو ضد مثل ازاله نجاست از مسجد با نقیض ضد دیگر مثل عدم صلاة، در یک مرتبه می باشند و دلیلی که تقدّم یکی از آنها را بر دیگری ثابت نماید تا مقدمیت آن برای دیگری ثابت گردد، وجود ندارد».

برای روشن شدن صحت و سقم این وجه باید مقصود ایشان از این بیان روشن گردد. در این بیان چند احتمال وجود دارد:

احتمال اول این است که محقق اصفهانی «رحمة الله علیه» در تعلیقه کفایه می فرمایند: «مراد ایشان آن است که می توان از طریق قیاس مساوات ثابت کرد که عدم ضد در مرتبه وجود ضد دیگر است و هیچ تقدّم و تأخّر بین آنها وجود ندارد».

توضیح مطلب در قالب مثال آن است که دو ضد مانند حرکت و سکون، در مرتبه واحد هستند یعنی وجود حرکت در مرتبه وجود سکون است و هیچکدام مقدّم بر دیگری نمی باشند، چون تقدّم یکی بر دیگری، ملاک تقدّم می خواهد تا یکی را در وجود بر دیگری ترجیح دهد و چنین ملاکی در ضدین وجود ندارد؛ و همینطور دو شیء متناقض در یک مرتبه هستند، یعنی وجود سکون در مرتبه عدم سکون بوده و بدیل و جایگزین آن می باشد و هیچ ملاکی برای تقدّم رتبی یکی بر دیگری وجود ندارد.

۱- ایشان در کفایه الاصول صفحه ۱۳۰ در مقام نقد مقدمیت در جهت اول می فرمایند: «لأنّ المعاندة والمنافرة بین الشیئین لا تقتضی إلا عدم اجتماعهما فی التحقق و حیث لا منافاة أصلاً بین أحد العینین و ما هو نقیض الآخر و بدیله بل بینهما کمال الملازمة کان أحد العینین مع نقیض الآخر و ما هو بدیله فی مرتبة واحدة من دون أن یكون فی البین ما یقتضی تقدم أحدهما على الآخر كما لا یخفی، فکما أن قضية المنافاة بین المتناقضین لا تقتضی تقدم ارتفاع أحدهما فی ثبوت الآخر كذلك فی المتضادین».

نتیجه این می شود که در مثال مذکور، وجود حرکت در مرتبه وجود سکون است، وجود سکون هم در مرتبه عدم سکون است، پس وجود حرکت در مرتبه عدم سکون قرار می گیرد، بنا بر این عدم یکی از دو ضد مانند عدم سکون، در مرتبه وجود ضد دیگر مانند حرکت بوده و تقدّم رتبی بر آن ندارد تا آنکه به عنوان جزء اخیر علت تامه برای وجود ضد دیگر باشد^۱.

نقد بیان محقق اصفهانی «رحمة الله علیه»

محقق اصفهانی «رحمة الله علیه» پس از تقریر کلام محقق خراسانی «رحمة الله علیه» به بیان فوق، در مقام نقد آن می فرمایند: «قیاس مساوات در عالم رتبه نتیجه نمی دهد، اگر چه در عالم زمان نتیجه بخش است، به این دلیل که تفاوت اشیاء در عالم رتبه بر اساس تحلیل و درک عقل است و زمانی که عقل یکی از دو شیء را که از نظر زمانی، مقارن با همدیگر هستند، از نظر رتبه مقدّم بر آن شیء دیگر می داند، یقیناً بر اساس وجود یک نکته و ملاک خاصی است، لذا می بینیم عقل به جهت وجود خصوصیت علت و مؤثریت در علت، حکم به تقدّم رتبی آن بر معلول می نماید ولی همین عقل حکم نمی کند به اینکه عدم علت که در رتبه وجود علت است، تقدّم رتبی بر معلول دارد، چون دلیلی برای تقدّم آن بر معلول پیدا نمی کند، لذا این طور نیست که در عالم رتبه گفته شود هر چیزی که مقارن با شیء متقدّم باشد، حتماً آن چیز هم رتبه مقدّم می باشد.

بنا بر این حکم به تقدّم و تأخر زمانی، قابل سرایت به مقارن شیء می باشد، چون ملاک حکم به تقدّم و تأخر زمانی، زمان می باشد و این ملاک در شیء مقارن نیز وجود دارد ولی حکم به تقدّم و تأخر رتبی قابل سرایت به مقارن شیء نمی باشد، چون ملاک حکم به تقدّم و تأخر رتبی، برخورداری از خصوصیتی می باشد که شاید شیء مقارن، برخوردار از آن نباشد، لذا در مثال مذکور، عقل چنین حکمی نمی نماید، چون شیء مقارن یعنی عدم علت، برخوردار از چنین خصوصیتی نمی باشد^۲.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

۱- ایشان در نهاية الدراية، جلد ۲، صفحه ۱۸۰ ذیل بیان مرحوم محقق خراسانی می فرمایند: «حاصله: أنه لا تقدّم و لا تأخر بين الضدين - بما هما ضدان - فنقيض أحدهما - وهو العدم البديل للوجود - أيضا لا تقدّم له على وجود الآخر، وهذا معنى كونهما في مرتبة واحدة». ایشان به توضیح این مطلب در حاشیه به صورت مفصل پرداخته اند.

۲- ایشان در ادامه می فرمایند: «و تحقيق الجواب عنه: أن غاية ما يقتضيه الملائمة بين الضدّ و نقيض ضده هي المقارنة الزمانية بين الضدّ و عدم الآخر، و المقارنة الزمانية لا تنافي التقدّم بالعلية أو بالطبع، كما أن التقدّم الزماني لا ينافي العلية أيضا، و أما كون عدم الضدّ بديلا لعين الضدّ، فلا يقتضي أن يكون في رتبته، بل كما لا يابى من أن يكون في رتبة ضده، كذلك لا يابى عن أن يكون متقدّما عليه، أو متأخرا عنه طبعاً ... و بالجملة: التقدّم بالعلية أو بالطبع الثابت لشيء لا يسري إلى نقيضه ...».